در «کلیک» بخوانید:
بزرگترین شبکه اجتماعی زیرزمینی دنیا

گفت‌وگو با نادر فلاح، بازیگر سریال «زمین گرم»
دیگر نقش منفی بازی نمی‌کنم

جام جم

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

www.jamejamdaily.ir

یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۹ | ۱۶ صفر ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۷۲ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Sunday - October 4, 2020

۶

پیتر جنکینز، سفیر سابق انگلیس در شورای امنیت سازمان ملل متحد در گفت‌وگوی اختصاصی با جام جم:

بایدن به دنبال خلع سلاح ایران است

۸

پرسپولیس در دیداری نفسگیر و با وجود کارشکنی‌های AFC توانست با شکست دادن النصر عربستان به فینال لیگ قهرمانان برسد

حال صعود!

عکس: ؟؟؟ | جام جم

ویژه‌ها

تحلیلی از مواضع اخیر رئیس جمهور درباره فشارهای خارجی و تحریم‌ها

جنگی که بود جنگی که هست

تاریخ معاصر می‌گوید در تمام صدسال‌گذشته همواره تحت فشار بوده‌ایم. دولت مصدق از سوی انگلستان تحریم شد، کارتر و ریگان، جمهوری اسلامی را بایکوت کردند، در دوره کلینتون، دموکرات‌ها تحریم‌های سراسری را تصویب کردند و در دهه۸۰ سخت‌ترین سال‌های اقتصادی را گذراندیم. اتفاقا دولت آقای روحانی محصول همین شرایط است. یعنی در دوره تحریم و تنگنای کشور، آقای روحانی با شعار تدبیر و ارتباط با جهان به عرصه آمد تا گشایشی در کار مملکت ایجاد کند...

۲

بررسی دلایل بی‌اعتنایی سینمای ایران به فیلم‌های پلیسی

آخرین بار کی پلیس را دیدی؟!

۱۰-۱۱

بیشتر بخوانید

به بیمارستان رازی اهواز رفته‌ایم؛ جایی که در آن کادر درمان پنجه در پنجه کرونا انداخته‌اند

نبض کادر درمان را بگیریم

۱۳

با وجود تعیین محدودیت‌های جدید، قلیان کشیدن در قهوه‌خانه‌ها همچنان ادامه دارد

قل‌قل بدون محدودیت

۱۸

هیات‌های مذهبی سراسر کشور برای آبرسانی به روستاهای محروم دور هم جمع شده‌اند

با ساقی‌العطاشا اربعینی شویم

۱۶

کافه میرداماد

گفت‌وگو با محمد نسیمی عکاس خبری وزارت بهداشت

من عکاس جنگم

۲۰

یادداشت

دولت آرایش جنگی ندارد

احمد توکلی

عضو مجمع تشخیص مصلحت

چند وقتی است که آقای رئیس جمهور در تحلیل شرایط کشور به موضوع جنگ اقتصادی اشاره و عنوان می‌کنند که کشور در شرایط جنگ اقتصادی است و دلیل مشکلات اقتصادی ما به این جنگ برمی‌گردد. رئیس جمهور همچنین تأکید دارد اگر صرفا با تحریم‌های خارجی و نه جنگ اقتصادی مواجه بودیم، می‌توانستیم شرایط را بهتر اداره کنیم.

واقعیت آن است که پذیرش همین نکته از سوی آقای روحانی، اتفاق میمون و مبارکی است. ما بارها به صورت جدی متذکر می‌شدیم و هشدار می‌دادیم کشور در شرایط جنگ اقتصادی به سر می‌برد و باید در مصرف منابع محدودی که در اختیار ماست بیشتر دقت کنیم و بر اساس آن برنامه‌ریزی داشته باشیم. از یک سو اکنون باید خوشحال بود که آقای رئیس جمهور، جنگ اقتصادی را پذیرفته است، اما از سوی دیگر نباید از نظر دور داشت که اشاره آقای روحانی به شروع جنگ اقتصادی از سال ۹۷ به بعد با واقعیات همخوان نیست، زیرا از ابتدای انقلاب تاکنون ما درگیر تحریم هستیم و همواره با تحریم و جنگ اقتصادی مواجه بوده‌ایم. در دوران گذشته به‌ویژه در دوره دفاع مقدس، زمانی که با تحریم و جنگ اقتصادی روبه‌رو بودیم، کشور در شرایط ویژه‌ای قرار داشت و برای این‌که بتوانیم تا جای ممکن زندگی را برای مردم آسان‌تر کنیم، تدابیری برای گذران هر چه بهتر شرایط در موقعیت جنگی اتخاذ می‌شد. طبعا در آن مقطع بحث سهمیه‌بندی و همچنین ارائه کوپن باعث شد تا حدودی اقلام موردنیاز مردم باقیمت مناسب در اختیار آنها قرار گیرد. در چنین شرایطی هم باید با این شیوه‌ها به صورت جنگی، اوضاع را مدیریت کنیم، اما شاهدیم که وقتی بحث جنگ اقتصادی می‌شود صرفا در لفظ و بیان مورد اشاره قرار می‌گیرد، چون با توجه به سیاست‌های اعمالی به نظر می‌رسد خود دولت چندان موضوع جنگ اقتصادی را باور ندارد یا حداقل این‌که برای مواجهه با آن از کارایی لازم برخوردار نیست و برنامه‌ریزی درستی برای روبه‌رو شدن با آن ندارد. در شرایط فعلی مردم با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و با دشواری، اقلام موردنیاز خود را تهیه می‌کنند؛ اقلامی که روزبه‌روز بر قیمت آن افزوده می‌شود. اگر قرار بود موقعیت کشور آماده این جنگ اقتصادی باشد، دیدن شرایط فعلی اصلا با مسائلی چون آمادگی و مهیا بودن کشور برای جنگ اقتصادی همخوانی ندارد. از سوی دیگر دولت باید برای جنگ اقتصادی از خود شروع کند و با صرفه‌جویی، جلوگیری از حیف و میل اموال، مبارزه با فساد، رانت‌خواری و.... برای این موقعیت، آرایش جنگی بگیرد، اما چنین عزمی از سوی دولت دیده نمی‌شود.

نکته

آمریکا «اصل بحران» است نه «راه حل»

حنیف غفاری

دبیر بین‌الملل

دیروز شاهد وقوع تراژدی غمبار دیگری در افغانستان بودیم. انفجار خودروی بمبگذاری شده در نزدیکی ساختمان فرمانداری شهرستان شینواری استان ننگرهار، ده‌ها کشته و زخمی برجا گذاشت. این حادثه تروریستی در حالی رخ می‌دهد که نمایندگان طالبان و دولت افغانستان، با نظارت آمریکا در حال مذاکره در دوحه (پایتخت قطر) هستند. وقوع یک حادثه تروریستی، آن هم همزمان با مذاکرات صلح افغانستان، پیام خوبی برای شهروندان این کشور جنگ‌زده نیست.

صورت مساله در افغانستان کاملا مشخص است: ایالات متحده آمریکا سال ۲۰۰۱ میلادی این کشور را به بهانه ایفای نقش طالبان و القاعده در حادثه ۱۱ سپتامبر و انهدام برج‌های دوقلو اشغال کرد. پس از آن، واشنگتن حضور بازیگران غربی را در افغانستان بسط داد تا به خیال خود، یک «پروژه تمام آتلانتیکی» را با تکیه بر مناسبات داخلی ناتو در حوزه آسیا و شبه‌قاره هند کلید بزند.

خروجی و محصول حضور آمریکا (و ناتو) در افغانستان و دموکراسی ادعایی غرب در این کشور، صدهاهزار کشته و میلیون‌ها آواره در این کشور بوده‌است. سوال اصلی اینجاست چگونه مولد بحران امنیت در افغانستان هم‌اکنون خود را «بانی ایجاد صلح» در این کشور قلمداد می‌کند؟! به عبارت بهتر، اکنون با معادله‌ای در افغانستان سر و کار داریم که در آن قاضی و دزد یک نفر است.

امروز آمریکا پس از حدود دو دهه تاراج منافع افغانستان و تشدید بحران امنیت در این کشور، می‌خواهد ژست یک قهرمان را به خود بگیرد. اگرچه مذاکرات درون افغانی بهترین و تنها راه ایجاد صلح در افغانستان محسوب می‌شود، اما نباید فراموش کرد که اصرار واشنگتن مبنی بر نقش‌آفرینی در این مذاکرات، از روی دلسوزی برای شهروندان و سیاستمداران افغان نیست. آمریکا کمترین نیتی برای ایجاد و استمرار صلح و امنیت در افغانستان ندارد. سه دولت بوش، اوباما و ترامپ هر یک به سهم خود، مقوم پارامترهای ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور بوده و دولت بعدی آمریکا (اعم از دموکرات یا جمهوریخواه) نیز درصدد خلق بحران‌های مزمن امنیتی در این کشور برخواهدآمد.

در چنین شرایطی سیاستمداران افغان باید باور داشته باشند آمریکا اصل بحران است نه راه حل. امروز زمان اتحاد سیاستمداران و ملت افغان با یکدیگر است، هم در زمینه ایجاد یک صلح تمام‌افغانی و نیز ایستادگی در برابر توطئه‌ها و جنایاتی که آمریکا در این کشور انجام خواهدداد.

دیدگاه

محدودیت جدی، نظارت جدی‌تر

دکتر مینو محرز

عضو کمیته علمی ستاد ملی مبارزه با کرونا

کرونا این روزها بیمارستان‌های کشور را قرق کرده است، شهروندان اگر از شرایط بیمارستان‌ها آگاه باشند، به آسانی از کنار پروتکل‌ها عبور نمی‌کنند. در بیشتر بیمارستان‌ها این صدای نفس‌های خشک بیماران است که فضا را پر می‌کند. آنچه بیشتر به چشم می‌آید نیز تخت‌هایی هستند که در بخش‌های ویژه، بیماران پیر و جوان روی‌شان دراز کشیده‌اند. سالن بزرگ بخش‌های ویژه و غیرویژه بیمارستان‌های کشور، همه پر است از این صحنه‌های دلخراش. تصاویری که این روزها از سالن‌ها فراتر رفته‌اند و در راهرو و حیاط برخی بیمارستان‌ها نیز به چشم می‌آید.

بیراه نیست اگر بگوییم این روزها تعداد زیادی از بیمارستان‌ها شبیه به میدان جنگ شده‌اند، جنگی تن به تن. یک طرف کادر درمان، با ماسک، گان و دستکش ایستاده‌اند و یک طرف دیگر هم چشم در چشم، ویروس میکروسکوپی کوچک کرونا ایستاده است. در این میدان رزم، هر روز خیلی‌ها درگیر و اسیر تخت بیمارستان و کپسول اکسیژن می‌شوند، تخت‌هایی که دیگر نیست و کادر درمانی که دیگر توان مقابله ندارد. اینها گوشه‌ای از واقعیت‌های تلخی است که این روزها در بیمارستان‌های کشور اتفاق می‌افتد.

اما برای کاهش این ماجراهای تلخ چه باید کرد، این مدیران هستند که می‌توانند با در نظر گرفتن محدودیت‌های سفت و سخت، مانع شیوع بیشتر بیماری شوند.

سرانجام دیروز محدودیت‌هایی برای کلانشهر تهران درنظر گرفته شد. نباید فراموش کرد که اعمال محدودیت‌های حداقلی مثل ممنوع اعلام کردن مجالس عروسی و عزا، بسته شدن مدارس و دانشگاه‌ها، کافه و رستوران‌ها؛ امروزه بهترین تکنیک تدافعی برای مبارزه با کروناست. گزارش‌ها بی‌شمارند از دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمانی که به کرونا مبتلا شده‌اند و خود عاملی برای انتشار ویروس هستند.

لازم به یادآوری است که این بار اولی نیست که برای کلانشهری مانند تهران محدودیت در نظر گرفته می‌شود، نکته اینجاست که بدون نظارت مناسب روی این محدودیت‌ها نمی‌توان امیدوار بود که شیوع کرونا کاهش یابد. چراکه شرایط ناگوار است و از کادر درمان تا مردم همه خسته شده‌اند، البته این روند مختص کشورما نیست و این خستگی را در همه جای دنیا می‌توان دید. در این بین ما باید از رفتارهای درست دیگر کشورها نیز درس بگیریم. اروپا چرا موفق شده و تا حدودی مدیریت بیماری را در دست گرفته است؟ چون که آنها محدودیت درنظر می‌گیرند و دقیقا اجرایش می‌کنند. قانون‌گذاری و اعمال جریمه سفت و سخت، کاری که در اروپا هم انجام می‌شود. بهترین راه مقابله با کسانی است که پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت نمی‌کنند و ماسک به صورت نمی‌زنند، برخورد قانونی است.

فراموش نکنیم که با محدودیت‌های یک هفته‌ای که نظارتی جدی روی آنها انجام نمی‌شود، نمی‌توان با ویروس کرونا مقابله کرد.

درنگ

پیروزی علیه ناعدالتی

امیر حاج‌رضایی

کارشناس فوتبال

قبل از هرچیز تبریک می‌گویم این پیروزی دلچسب را و می‌گویم این نتیجه برای نماینده شایسته فوتبال ایران، فراتر از یک پیروزی بود. در واقع تیمی که مظلوم واقع شد با اتحاد و همبستگی بالا، مقابل یک شرایط سخت ایستاد؛ شرایطی که از چند ساعت قبل از بازی با خبر ناگهانی محرومیت عیسی آل‌کثیر آغاز شد و تا لحظه پنالتی پنجم قرمزها با انواع و اقسام حوادث تلخ، مثل اعلام پنالتی برای تیم حریف، سوت‌هایی که کمتر با ما مهربان بودند و البته ۱۰نفره شدن، ادامه داشت. بحث من درست بودن یا نبود پنالتی النصر یا اخراج احسان پهلوان نیست. معتقدم با وجود این شرایط که به پرسپولیس تحمیل شد، این برد هزاران بار بیشتر به دل مردم ایران چسبید و البته پاسخ کوبنده‌ای بود به کنفدراسیون فوتبال آسیا که اینچنین ناعادلانه، یک بازیکن آینده‌دار ایرانی را از حضور در بازی نیمه‌نهایی محروم کردند. به نظر من محرومیت عیسی آل‌کثیر یک تصمیم کاملا سیاسی و ظالمانه بود که می‌توانست روی نتیجه تاثیرگذار باشد. شک نکنید اگر اتحاد و همدلی بازیکنان پرسپولیس نبود، بار روانی خبری که سه ساعت قبل از شروع بازی به اردوی قرمزها رسید، می‌توانست همچون آمار روی سر این تیم خراب شود. البته در به‌وجود آمدن این شرایط مدیریت نابسامان فوتبال ما هم بی‌تقصیر نیست. این‌که کنفدراسیون فوتبال آسیا به خودش اجازه بدهد با هر تصمیم ناعادلانه‌ای سر فوتبال ایران را ببرد، بخشی از آن به ضعف دیپلماتیک خودمان در عرصه ورزش برمی‌گردد و شرایط این روزهای فدراسیون فوتبال که هیچ صاحبی ندارد.

در هر حال خوشحالیم که بعد از سپری کردن یک عصر تلخ در پی خبر محرومیت ۶ ماهه آل‌کثیر، یک شامگاه دلپذیر را پس از نمایش فداکارانه بازیکنان پرسپولیس تجربه کردیم. حالا هم به خاطر مبارزه جانانه پرسپولیسی‌ها علیه ناعدالتی خوشحالیم و هم به خاطر صعود یک نماینده از فوتبال ایران به فینال لیگ قهرمانان آسیا. این پیروزی آنقدر دلچسب بود که من شاهد بودم حتی بسیاری از هواداران استقلال هم دلشان با پرسپولیسی‌ها بود. به هر حال صعود پرسپولیس به فینال لیگ قهرمانان آسیا را باید تبریک گفت به همه مردم ایران و امیدوار ماند تا شاید این بار طلسم قهرمان شدن در آسیا، برای نمایندگان فوتبال ایران خاتمه یابد و تیم پرسپولیس بتواند جامی را که دو سال پیش با حسرت از کنارش عبور کرد، این بار با افتخار بالای سر ببرد.

همکار گرامی جناب آقای مرتضی شیرازی
معاون محترم فنی

درگذشت همسر خواهر گرامیتان را تسلیت گفته و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و آرامش در محضر الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت داریم.

روزنامه جام جم